

آینه امر روز

ایران

محسن سبزجامه‌گان

علی شمعانی؛ بنده به‌عنوان سرباز کوچک ملت بزرگ ایران بارزترین مصداق پیشکسوت را در سخن فرمانده معظم کل قوا، محسن رضایی می‌دانم. سرداری که با «لباس سبز» و «بی‌آن»، جامه دفاع از انقلاب را هیچ‌گاه از تن بیرون نیاورده و با حفظ هویت انقلابی خویش، اقتدار پس از آزادی خرمشهر را به‌عنوان یک ضرورت برای به انجام‌رساندن یک رسالت تاریخی دیگر به همه نیروهای انقلاب یادآور می‌گردد. حفظ توأمان «امنیت سرزمین» با منطق «پیشگیری» و کوتاه‌نمودن دست‌های خون‌آلودی که از فرسنگ‌ها فاصله با تمسک به حبله‌های نظامی، سیاسی و امنیتی به‌دنبال ناامن‌کردن ایران پرافتخار هستند، مستلزم احیای خط مقاومت و ایثار و بازتولید فرهنگی است که شرافت و عظمت خرمشهر را از زیر چکمه استکبار خارج کرد.

تاریخ

ارتش نبود انقلاب شکست می‌خورد

امیر دریادار سیاری؛ قصد داشتند ارتش که بازوی دفاع انقلاب بود را از او بگیرند؛ تجهیزات در جنگ‌های مدرن مهم هستند ولی نقش محوری و اصلی را نیروهای انسانی دارند؛ قدرت‌های مختلف دلشان نمی‌خواهد ما در عرصه‌های بین‌المللی رشد کنیم/ ما یک تدبیر داریم و اینکه نیروهای مسلح وارد سیاست نشوند/ تضاد دیدگاه با اختلاف میان نیروهای نظامی ایران وجود نداشته و ندارد/ هیچ‌گاه تضاد دیدگاه یا اختلاف میان نیروهای نظامی ایران وجود نداشته و ندارد و مأموریت همه ما یکی است. برای مثال ما با سپاه در دریا از لحاظ آموزشی و اطلاعاتی همکاری داریم ولی متأسفانه برخی تلاش دارند بی‌جهت به این شایعات دامن بزنند/ ارتش در زمان پیروزی انقلاب اسلامی توانمندی نداشت ولی الان به دست توانمند متخصصان داخلی و باراده کشورمان به توان بالایی از همه لحاظ دست یافته است.

کیم‌ان

ابن منطقه جنگی است

محمد امانی؛ اگر به‌دنبال پاسداری از ثبات و امنیت و استقلال کشور هستیم، ناچاریم روحیه جهادی را در خود و در میان مردم تقویت کنیم و القای این اصلاح مسیر، درک تهدیدها و ضرورت‌ها و از خودگذشتگی و همدلی مبتنی بر آن است. یعنی اینکه باید به جای هوای مسموم سیاست‌ورزی بر مبنای «غضب و شهوت» و «حب‌و بغض‌های ناحق»، به ایثار و مروت و مجاهدت و الفت و وحدت و اخوت، میدان نقش‌آفرینی و گره‌گشایی داد. سیاست و مدیریت باید به این ریل در تراز سیاست‌گذاری‌های کلان امام و رهبری بازگردد تا پیروزی‌ها و موفقیت‌های بزرگ در دسترس قرار گیرد.

روزنامه

ممد خوب شد نیستی ببینی

بدجوری گرفتار روزمرگی و اسیر منصب و جاه و مکتب و ثروت شده‌ایم. مسئولان نهادها و ادارات در حد وظیفه مقرر کار می‌کنند. چرتکه می‌اندازند که چند ساعت کار کنند و چه مبلغی بگیرند. از خلایقت و ایثار فاصله گرفته‌اند و تهی شده‌اند. این‌همه اخلاص‌های نجومی در سازمان‌ها و بانک‌ها صورت می‌گیرد اما حاضر نیستند یک صدم درصد را از آن به گرمای داشت یاد شهدا و تکریم جانبازان سازمان خود یا برای ساختن فیلمی در این زمینه اختصاص دهند. وای چقدر درد دل هست. یادم‌ان باشد امثال جهان‌آرا خون دادند تا این دردها نباشد. اما با شرمساری باید بگویم که ممد خوب شد نیستی ببینی که ...

اگر ائتلاف «جمعیت مؤتلفه اسلامی» در اول خرداد ۱۳۴۱ انجام شد، اقدام عملی آنها برای تأثیر در محافل سیاسی، در زمستان دو سال بعد بود؛ نخستین روز بهمن‌ماه ۱۳۴۳. روزی که برف همه را به س্তوه آورده بود. پنج روز مانده به ششم بهمن. ناگهان زنگ خطر زده شد؛ درست زمانی‌که دولت احساس می‌کرد هیچ مانعی بر سر راه ندارد و خود را برای جشن سومین سالگرد «انقلاب شاه و مردم» آماده می‌کرد، صدای تیری جلوی بهارستان شنیده شد و سری که آرزوهای زیادی در سر داشت به خاک افتاد. نخست‌وزیر ترور شد! و «عملیات بدر» با موفقیت به پایان رسید. فردای آن روز محمد بخارایی، عضو شاخه نظامی هیات‌های مؤتلفه اسلامی در زندان ساواک زیر شکنجه بود و گروه‌های تعقیب در جست‌وجوی یارانش. آن روز بخارایی شک نداشت که با ترور حسنعلی منصور به تکلیف الهی خود عمل کرده. او روز حادثه در ضلع جنوب‌شرقی بهارستان ایستاد. زمانی که ماشین منصور با اسکورت وارد میدان شد، خیلی عادی به طرف مجلس حرکت کرد و نامه‌ای که در دست داشت به طرف منصور گرفت و در همین زمان با اسلحه‌ای که در زیر نامه پنهان بود او را موردهدف پنج کلوله قرار داد و به به صدارت ۳۱۴روزه‌اش خاتمه داد. اما خود هنگام فرار مقابل مسجد سپهسالار دستگیر شد. بخارایی در طول مدت بازجویی سخنی نگفت اما از کارت شناسایی که در جیب داشت توانستند یارانش را دستگیر کنند. بعدها طبق تصمیم دادگاه بخارایی، مرتضی نیکخواه، رضا صفارهرندی و صادق امانی حکم اعدام، مهدی عراقی و حبیب‌الله عسکراولادی حبس ابد گرفتند و نیز سیدعلی اندرزگو، به‌طور غیابی به اعدام محکوم شد. شاه مبهوت از حادثه ترور، می‌خواست در سالگرد انقلاب سفید واقعیت را از مردم پنهان کند. او می‌خواست قتل منصور را بخشی از مبارزه «ارتجاع» و «بیشرفت مملکت» و «اصلاحات ارضی» قلمداد کند. اما ضربه وارد شده بود. در طبقه دوم بیمارستان پارس که متعلق به دو، سه نفر از اعضای جامعه مترقی بود، جسد منصور نگهداری می‌شد. دکتر شاهعلی، چنان رفتار می‌کرد که حتی پرستاران بیمارستان باور کنند نخست‌وزیر هنوز زنده است. وزیران کابینه و اعضای حزب ایران نوین با چهره‌های بهت‌زده مشغول گفت‌وگو و نگران آینده حضور خود در کابینه جدید بودند. شاه با افکار متناقض و چهره‌ای عمگین دو مرتبه بر بالین نخست‌وزیرش حاضر شد. او گزارش پاکروان را در ذهن مرور می‌کرد: «هیچ تحرکی در گروه‌های اسلامی دیده نمی‌شود»؛ اما مدت‌ها بود که «جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی» فعالیت خود را شروع کرده بود.

بازاری‌های سیاست‌مدار وائتلاف با روحانیت

پس از کودتای ۱۳۳۲، کشور آستان حوادث بود: تصویب‌نامه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اول خرداد ۱۳۴۱، تصویب لایحه کاپیتولاسیون، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و تبعید امام خمینی (ره). دوره فعالیت نیروهای مذهبی و بازار فرا رسیده بود. در همین ایام، دو هیات مذهبی از کسبه و تجار بازار تهران تصمیم گرفتند با یکدیگر ائتلاف کنند. سپس یکی دیگر از هیات‌های فعال بازار را نیز مطلع و در ائتلاف خود سهیم کردند. ائتلاف‌کنندگان که بعدها به «هیات‌های مؤتلفه اسلامی» معروف شدند، هیات‌های مسجد امین‌الدوله، مسجد شیخ‌علی و اصفهانی‌ها (گروه پل‌سیمان) در بازار تهران بودند. حاج‌مهدی عراقی در کتاب «ناگفته‌ها»، درباره نحوه تشکیل مؤتلفه می‌گوید: «از بدو حرکت روحانیت راجع به انجمن ایالتی و ولایتی شروع می‌کنند، در تهران سه گروهی بودند که با همدیگر کار می‌کردند، کارهای مذهبی داشتند، قرائت قرآنی و مطالعه کتابی داشتند... خرده‌خرده این سه گروه هر کدام مجزا از همدیگر با روحانیت یک تماسکی پیدا کرده بودند. کار می‌کردند... یک مقدار که کار بیشتر شده و مبارزات حادتر شده بود، اینها افتادند بیشتر روی جنبه رقابت. هم می‌خواستند کار بیشتری کنند... ماما که یک مقدار سابقه مبارزاتی داشتیم و می‌دانستیم که اختلافات چه ضررهایی دارد و دشمن چه‌جور می‌تواند از این تضادها استفاده بکند، خود من در یکی از این شاخه‌ها بودم، مرحوم آقاصادق و حاج‌هاشم امانی هم در یکی از این شاخه‌ها بود. ولی خب ما سابقه رافقتمان از خیلی عقب‌تر بود. بعضی وقت‌ها کار به

سیاست



۵ دهه از تأسیس مؤتلفه اسلامی گذشت

پایدار بر سنت

لیلا ابراهیمیان

جایی می‌رسید که حتی همدیگر را هم می‌خواستیم خنثی بکنیم. فی‌المثل امروز قرار بود بازار تعطیل بشود، ما می‌خواستیم تعطیل بشود؛ اما چون مبدع این کار ما بودیم، آن گروه می‌آمد این کار را خنثی می‌کرد، می‌گفت نه، آقا گفته تعطیل نشود. برای خاطر اینکه چون این کار به دست آن نشده بود... چغتمان احساس کردیم که باید جدایی از بین برود و به‌صورت ائتلاف دربیاید. ولی این فکر هم برای ما پیش آمد که خب، غیر از ما گروه دیگری هم هستند که دارند این کارها را انجام می‌دهند، بهتر است نمایندگان آن گروه را هم دعوت بکنیم. خوشبختانه وقتی نمایندگان آن گروه را هم دعوت کردیم، ... اعلام آمادگی کردند که در یک جبهه واحد کار کنیم و این شد که به نام جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی این سازمان به‌وجود آمد».
جمعیت مؤتلفه، در یکی از ملاقات‌های مردمی با امام‌خمینی (ره)، ماجرای ائتلاف خود را به اطلاع ایشان رساندند و ائتلافشان تأیید شد. شهید عراقی روایت می‌کند: «آمدیم خدمت حاج آقا، جریان را برای ایشان گفتیم، ایشان هم تأیید فرمودند و هرکسی هم که می‌رفت از حاج آقا سؤال می‌کرد، ایشان می‌فرمودند که مسلمان باید تشکیلاتی باشد، مسلمان بدون تشکیلات ارزشی ندارد».
اساسنامه و آیین‌نامه هیات‌های مؤتلفه تنظیم شد و کارها تقسیم شد به امور اجرایی، سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژی. آیت‌الله مطهری، آقایان محی‌الدین اناری، شهید بهشتی و مولایی از روحانیون برجسته‌ای بودند که متکفل هدایت و تغذیه معنوی و ایدئولوژی هیات‌های مؤتلفه اسلامی گردیدند. از حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان، حاج‌صادق امانی، مرتضی نیک‌نژاد، عزت‌الله خلیلی، رضا صفارهرندی، صادق اسلامی، سیداسدالله لاجوردی، حسین رحمانی، مهدی بهادران، هاشم امانی، سیدمحمود میرفندرسکی، احمد قدیریان، مهدی شفیق، علی حبیب‌اللهیان، عباس مدرسی‌فر، میرمحمد صادق ابوالفضل توکلی، اسدالله بادامچیان، توکلی بی‌نا، رخ‌صفت، سعید محمدی، مقصودی و علی درخشان در مقام بنیان‌گذاران و اعضای اولیه هیات مؤتلفه اسلامی نام می‌برند. شهیدعراقی درباره نحوه فعالیت مؤتلفه می‌گوید: «مؤتلفه یک سازمان نیمه‌مخفی و نیمه‌علنی بود، اما خوشبختانه یا بدبختانه تو ماها روشنفکر نبود». سامان‌دادن اعتصاب‌های سراسری، برپاکردن تظاهرات در شهرهای مختلف، تکثیر و توزیع نوشته‌ها، بیانیه‌ها و نوارهای صوتی امام‌خمینی (ره) که در نجف و سپس در پاریس در تبعید به سر

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

ایدئولوژیک دادند. بازتاب این تغییر در داخل و خارج از زندان سنگین بود. طوری‌که در زندان برخورد‌های تن‌دی بین دو طیف زندانیان مذهبی و مارکسیست پیش آمد. آن‌زمان روحانیت، گروه‌های اسلامی، جریان راست و مؤتلفه‌ای‌ها در زندان بودند و حکم ابد گرفته بودند. تعدادی از این گروه چون عسکراولادی و یارانش سفره‌های خود را از کمونیست‌ها جدا کرده و آنها را «نجس» نامیدند و بعد از این مبارزه با کمونیسم رسالت بعدی جریان راست شد. تا اینکه دو سال قبل از پیروزی انقلاب، عسکراولادی و عراقی بعد از ۱۳ سال زندان آزاد شدند. عسکراولادی می‌گوید: «ما این کار را با مشورت آقایان علما انجام دادیم. آنها به ما گفتند الان در بیرون به وجود شما بیشتر نیاز هست».

انقلاب از راه می‌رسد

بهمن ۵۷ زده پیروزی ایرانیان و سقوط رژیم شاه در گوش‌ها می‌چید؛ و پرواز انقلاب از مقصد نوفل‌لوشاتو به تهران بر زمین نشست. مسافران صندلی سوم پشت سر امام عضو هیات مؤتلفه اسلامی بودند. کار و تئوری‌پردازی برای نحوه اداره مملکت شروع شده بود. حبیب‌الله نیمه اسفند ۱۳۵۷ مأمور تشکیل کمیته امداد امام خمینی(ره) شد و تا آخرین روز حیاتش به عنوان نماینده ولی فقیه در این سازمان باقی ماند. در زمان تأسیس حزب جمهوری اسلامی (۲۹ اسفند۱۳۵۷) اغلب اعضای جمعیت مؤتلفه، جذب حزب شدند ولی خود را در آن منحل نکردند. در حزب جمهوری شرط گذاشته شده بود که همه افراد و گروه‌ها باید تشکل‌های قبلی را نادیده بگیرند و تابع حزب باشند؛ اما «مؤتلفه عامل به این مسئله نبود». و بعد از تعطیلی حزب در ۱۱ خرداد ۱۳۴۶ به درخواست اعضای شورای مرکزی آن و موافقت امام‌خمینی(ره)، آنها با تجدید سازمان سیاسی هویت خود را ابقا کردند. بعدها در چهلمین سالگرد تأسیس جمعیت مؤتلفه، یعنی دی‌ماه ۱۳۸۲ جمعیت به حزب تغییرنام داد و با دفاع صریح از ضرورت کار حزبی فصل جدیدی را آغاز کرد. در مرام‌نامه حزب آمده: «مؤتلفه اسلامی، توانست برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران، تشکلی سیاسی- عقیدتی، تحت رهبری ولی فقیه عادل زمان و مرجع تقلید و تحت نظارت و هدایت شورای روحانیت و به‌دور از الگوپذیری از سازمان‌ها و احزاب شرقی و غربی پدید آورد و شعار «مقلد-بودن به معنای واقعی و اصیل را مطرح سازد». در این فصل جدید عسکراولادی از دبیرکلی استعفا داد و حبیبی جایگزین وی شد. بسیاری تشکیل حزب مؤتلفه را جزء نقاط مثبت انقلابون قدیمی و موجب شفاف‌شدن مواضع و ضرورت جامعه اسلامی می‌دانند. اما عده‌ای نادیده‌گرفتن رسالت حزبی در سال‌های آتی دهه ۸۰ و هضم‌شدن در قالب‌هایی چون جبهه پیروان خط امام و رهبری یا جبهه متحد اصولگرایان را نوعی بازگشت به عقب برای این حزب قلمداد می‌کنند.

سیاهه شکست‌ها

جمعیت مؤتلفه اسلامی از زمان برگزاری اولین انتخابات برای مجلس شورای اسلامی با هویت سیاسی نوینی وارد رقابت‌های گروهی و انتخاباتی در درون ساختار جمهوری اسلامی شد. اما برخلاف موفقیت نسبی آنها برای حضور در مجلس، همیشه نامزدی‌های سوده‌مخت مؤتلفه در انتخابات ریاست‌جمهوری سهمی جز شکست نداشتند. در نخستین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، جلال‌الدین فارسی نامزد منتخب مؤتلفه بود. در دومین انتخابات ریاست‌جمهوری پس از برکناری بنی‌صدر، دو تن از اعضای سازمان، یعنی حبیب‌الله عسکراولادی و سعیدعلی‌اکبر پرورش نامزد انتخابات شدند، اما باوجوداین، حزب به‌طور رسمی از محمدعلی رجایی- نامزد حزب جمهوری اسلامی که در انتخابات پیروز شد- حمایت کرد. حسن غفوری‌فرد و پرورش نامزد‌های مؤتلفه برای ریاست‌جمهوری سوم بودند که در نهاییات آیت‌الله خامنه‌ای پیروز آن انتخابات شد. حبیب‌الله عسکراولادی یک‌بار دیگر بخت خود را در انتخابات ریاست‌جمهوری چهارم آزمود که بازم شکست خورد و برای مرتبه دوم آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌مجهور شد. در انتخابات ریاست‌جمهوری پنجم این حزب کاندیدایی نداشت و از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی حمایت کرد. در انتخابات ششم ریاست‌جمهوری مؤتلفه دو کاندیدای اصلی یعنی احمد توکلی و عبدالله جاسبی را معرفی کرد که هیچ‌کدام نتوانستند از سد هاشمی‌رفسنجانی عبور کنند. این سیاهه شکست ادامه داشت تا اینکه مؤتلفه در انتخابات ۱۳۷۶ از علی‌اکبر ناطق‌نوری حمایت کرد و مجدداً با «نه» بدنه اجتماعی روبه‌رو شد. بازاری‌های اهل سیاست در موسم انتخابات نهم ریاست‌جمهوری علی لاریجانی، رئیس سابق صداوسیمای جمهوری اسلامی را برای حضور در آن معرفی کردند. اما لاریجانی ناکام ماند و در میان هفت کاندیدا در جایگاه ششم با یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار رأی قرار گرفت. به‌این‌ترتیب، محمود احمدی‌نژاد به مرحله دوم راه یافت و اصولگرایان که اصلاح‌طلبان را در کنار هاشمی یافتند تصمیم گرفتند در این دولت به شهردار تهران «آری» بگویند؛ حمایتی یک‌طرفه؛ چراکه احمدی‌نژاد اصرار داشت کاندیدای هیچ حزبی نیست. شاید از همین رو بود که او برای تشکیل کابینه از مؤتلفه نظری نخواست و اعضای این حزب را هم به کابینه نداد. راه در انتخابات ۱۳۸۸ مؤتلفه پس از حرف‌و‌حدیات‌های فراوان در بین اعضای خود، به این نتیجه رسید که از محمود احمدی‌نژاد حمایت کند و در بیانیه‌ای شش دلیل برای حمایت خود برشمرد. اما بلافاصله پس از انتصاب اسفندیار رحیم‌مشایی به سمت معاون اولی، مؤتلفه به صف منتقدان دولت دهم پیوست. در انتخابات ۱۳۹۲، مؤتلفه از علی‌اکبر ولایتی حمایت کرد. اما پیروز نهایی انتخابات دکترحسن روحانی بود و بار دیگر مؤتلفه از وصال با قوه مجریه ناکام ماند.

ادامه در صفحه ۱۹

آینه دیروز

۹ سال پیش درچین روزی اطلاعات

- رئیس‌جمهوری در اجتماع مردم خرمشهر: پیشرفت کشور بدون عدالت امکان‌پذیر نیست- هرکس در خرمشهر سرمایه‌گذاری کند مورد حمایت دولت قرار می‌گیرد
- همکاری‌های کشاورزی ایران با اروگوئه و سوریه گسترش می‌یابد
- واردات گندم توسط بخش خصوصی آزاد شد
- قرارداد ال-۹۰ نهایی شد
- سرم‌های مسی خط مترو تهران-کرج به سرقت می‌رود
- جعفر بناهی، کارگردان: تلاش برای نمایش فیلم «آفساید» را ادامه می‌دهم
- معاون دانشجویی دانشگاه تهران: هویت افراد دستگیرشده در واقعه کوی دانشگاه هنوز اعلام نشده است- وی مطالبات دانشجویان در تجمعات اخیرا مسائل صنفی، اداری و بعضا مرتبط با انتشار کاریکاتو: در روزنامه «ایران جمعه» دانست و یادآور شد: عملکرد دانشگاه در خصوص اعلام حکم بازنشستگی تعدادی از استادان و اعضای هیات علمی داشگاه، قانونی بوده است

اخبار

- سرلوحه- بحران تدبیر را جدی بگیریم- تعلل دولت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بهنگام و اصولی پس از آغاز اعتراض‌های مردم آذربایجان به چاپ یک کاریکاتور در روزنامه ایران مصداق بارز ضعف تدبیر و ناتوانی از تحلیل این شرایط است؛ تعللی که در نهایت منجر به اتخاذ تصمیمی پرهزینه و محرومیت خودخواسته دولت از بازوی رسانه‌ای‌اش یعنی روزنامه ایران شد
- هاشمی‌رفسنجانی در همایش تنوع فرهنگی و همبستگی ملی: حوادث آذربایجان ناشی از ضعف تدبیر است
- اعتراض دانشجویان در کوی دانشگاه تهران- دانشجویان در اعتراض به برخوردهای صورت‌گرفته در ناآرامی‌های اخیر تبریز، بازنشته‌شدن ۱۹ استاد و حمایت از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر تجمع کردند- دستگیری شش نفر در ناآرامی‌های کوی دانشگاه
- اخراج کارگران ادامه دارد- وزیر‌کار از احتمال تجدیدنظر در افزایش دستمزدها خبر داد

روزنامه

- گردهمایی اصلاح‌طلبان در دوم خرداد- اصلاح‌طلبی در غیاب دولت خاتمی- هشدار مجید انصاری درباره سیاست‌های اقتصادی دولت- (ماشاءالله) شمس و طرح ال‌کوی عدالت و توسعه در ترکیه- بهزار نبوی اصلاحات را تنها حکومتی می‌داند- میثمی و تاکید بر توجه به سنت- موسوی‌خویني‌ها مشارکت را به گسترش گفت‌وگوها فراخواند- دفاع امین‌زاده از عملکرد اصلاحات در عرصه دیپلماسی- مرعشی از ضرورت گسترش احزاب گفت
- احمدی‌نژاد: ۱۰۰ چرخه سوخت هسته‌ای داریم
- اعتراض دانشجویان به بازنشستگی استادان دانشگاه تهران
- علی جنتی: برخی مایل نیستند در وزارت کشور باشم

جمهوری اسلامی

- سخنگوی وزارت خارجه گزارش سالانه عفو بین‌الملل علیه ایران را محکوم کرد- «حمیدرضا آصفی» این گزارش را مبتنی بر اطلاعات نادرست و غیرمؤثق گروه‌های معاند و در تعارض با واقعیات جامعه ایران توصیف کرد
- عفو بین‌الملل نقض حقوق بشر در اروپا را مورد نکوهش قرار داد
- مردم تبریز علیه عناصر فرصت‌طلب و اهانت‌کنندگان به آذری‌زبان‌ها راهپیمایی کردند
- نماز جمعه این هفته تهران به امامت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی اقامه می‌شود
- پایگاه انتقال خون تهران با کمبود خون مواجه شد
- رانندازی خط تولید سمن در جمهوری آذربایجان
- سردار احمدی‌مقدم: مأمورانی که رفتار ناشایست با مردم داشته باشند عزل می‌شوند
- «صلح برای همه برپایه عدالت و معنویت» به‌جای «ستارگان پاریس»- شعار تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ تغییر کرد
- دکتر عبدالله‌زاده: به‌منظور مبارزه با بیماری سالک کمیته تخصصی سالک در بم تشکیل شده است

کیم‌ان

- در مجمع عمومی سازمان جهانی بهداشت در ژنو صورت گرفت- انتقاد وزیر بهداشت از مهاجرت نیروهای بهداشتی ایران به خارج
- راهپیمایی باشکوه اتحاد ملی در تبریز
- کمک یک میلیاردی رئیس‌جمهور به تیم ملی فوتبال
- رهبر معظم انقلاب: خط امام روشن است؛ مدعیان به آن پایبند باشند
- سازمان جهانی بهداشت، پاک‌بودن ایران از آنفلوآنزای مرغی را تأیید کرد
- اسرائیل: نماینده آمریکا در سازمان ملل جاسوس ماست- گوئتر گراس: بوش و بلر راکارانی هستند که انجیل‌درست برای مرگ تبلیغ می‌کنند- سیدحسن نصرالله: برای خلع سلاح تسلیم فشارهای خارجی نمی‌شویم